

مستقیم در پی هیچ‌یک از اهداف پیش‌گفته نیست؛ با این‌همه او در حال طی مسیری است که امکان‌های قابل‌توجهی به کنشگران و سیاست‌گذاران عدالت می‌دهد و اثر او از این منظر، اثری مهم یا بسیار مهم است.

احمد واعظی در زمینه عدالت چه می‌کند و آنچه او در عدالت اجتماعی بدان می‌پردازد، چه آورده‌ای برای جامعه ما و وضعیت تأخر در عدالت اجتماعی دارد؟ این‌ها پرسش‌هایی است که متن حاضر در بررسی فرامتن کتاب «بازاندیشی عدالت اجتماعی؛ چیستی، چرایی، قلمرو» را به بررسی متن کتاب متصل یا دست‌کم نزدیک می‌کند.

برای این بررسی بار دیگر پژوهش‌های احمد واعظی درباره عدالت را بررسی می‌کنیم. این بار بررسی را از منظر مراحل و تطورات برنامه پژوهشی او پیش می‌بریم. در یک صورت‌بندی اجمالی، پنج گام مهم این برنامه پژوهشی قابل‌تمیز است: گام نخست نقد کلامی و تا حدی فلسفی عدالت رالز و لیبرالیسم است. در گام بعد به نقد نظریه عدالت می‌رسیم. در این گام هم درک واعظی از نظریه‌های عدالت، به وضوح اجتماعی شده است و هم نقد او بر این نظریه‌ها. او در آغاز این نقدنامه، طرح بحث چکیده‌ای دارد در خصوص چیستی نظریه عدالت یا محورهای کلان عدالت پژوهی. از خواندن همین متن مختصر می‌توان حدس زد یا حس کرد که احمد واعظی، که تاکنون منتقد نظریه‌های عدالت بوده، سودای ساختن پروژه‌ای در باب عدالت اجتماعی را در سر دارد. گام بعدی واعظی نشان‌دهنده یک سیر منطقی در برنامه پژوهشی اوست؛ خروج از منظر نقد محور که در دو گام نخست برجسته بود. واعظی در گام سوم از نقد نظریه عدالت عبور کرده و در پی ساختن یک نظریه است. برای این منظور، نخست به سراغ بازخوانی امکان‌های سنت اسلامی می‌رود. واعظی به خوبی می‌داند که سنت اسلامی در زمینه «عدالت در جامعه»، گسست و فترتی بیش از هزار سال دارد.

او در کتاب نقد نظریه عدالت به خوبی و به اختصار این گسست را نشان داده است؛ آنجا که به تلویح و تصریح توضیح می‌دهد اندیشیدن اسلامی درباره عدالت در سنت اسلامی، پس از تأسیس فلسفه به دست فارابی و در همان آغاز، کم‌وبیش رها شده است؛ با این‌همه، متفکرانی معدود در دوره معاصر امکان‌های این میراث برای عدالت خواهی را بازخوانی کردند. استاد مطهری یکی از این معدود متفکران است که به دلیل همزمان داشتن اصالت، مقبولیت و تفصیل، انتخاب خوبی است و از نظر کمی و کیفی می‌تواند پروژه مهم متفکران مسلمان معاصر در باب بازخوانی امکان‌های سنت فکر اسلامی برای عدالت را بازنمایی کند. احمد واعظی در این مرحله، «مطهری و عدالت» را می‌نویسد و همزمان با بازخوانی مطهری می‌کوشد متدولوژی بازخوانی سنت اسلامی عدالت یا دست‌کم امتداد این سنت در دوره معاصر را تدوین کند؛ لذا پس از نقد نظریه‌های متجدد درباره عدالت و پس از بازخوانی سنت و امکان‌های آن درباره عدالت، گام تولید و نظریه‌پردازی پروژه او درباره عدالت آغاز می‌شود. او آن‌چنان که در سرآغاز «بازاندیشی عدالت اجتماعی» می‌نویسد، در ادامه پروژه خود دو کار را از هم تفکیک کرده است: یکی پرداخت بنیادین به عدالت از منظر چیستی و چرایی، و گام بعد پرداختن به چگونگی عدالت و به تعبیری اجرای عدالت و چه بسا کنشگری عدالت‌خواهانه. مهم‌ترین ویژگی این گام از برنامه پژوهشی احمد واعظی در عبور او از عدالت و تمرکز بر عدالت اجتماعی نهفته است.